

نمایشگاه عربی

حرف مردم



PN

۱۹۸۱

۳۲۴ / ف

۱۰ ج

۲۰ ن

پروین قائمی

نمایشنامه‌ی عروسی

حرف مردم

از مجموعه نمایشنامه‌های دانش‌آموزی (۱)

ویژه گروه سنی (۵)

پروین قائمی



قائمی، پروین، ۱۳۳۲ -

نمایشنامه‌های عروسی حرف مردم: از مجموعه نمایشنامه‌های دانش‌آموزی ویژه گروه سنی (ه) / نویسنده پروین قائمی. -- تهران: وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۸۲.

۲۴ ص. -- (... مجموعه‌ی نمایشنامه‌های عروسی: [ج] ۱)

عنوان دیگر: حرف مردم.

۱. نمایشنامه عروسی فارسی -- قرن ۱۴.

الف. ایران. وزارت آموزش و پرورش. مؤسسه فرهنگی منادی تربیت. ب. عنوان.

ج. عنوان: حرف مردم. د. فروست.

۸۱۶۲/۶۲

ج. ۱

PN ۱۹۸۱/۲۴

۸۲ - ۲۶۹۳۴ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).



حرف مردم

از مجموعه‌ی نمایشنامه‌های عروسی (۱)

نوشته‌ی: پروین قائمی

ویراستار: مرگان بنی‌هاشمی

ناشر: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۲

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: واحد آماده‌سازی و چاپ مؤسسه فرهنگی منادی تربیت

لیتوگرافی: اسپادانا

چاپ و صحافی: گلپان

قیمت: ۱۷۰۰ ریال

ISBN 964-348-318-5

شابک ۵ - ۳۱۸ - ۳۴۸ - ۹۶۴

ISBN SET 964-348-317-7

شابک دوره ۷ - ۳۱۷ - ۳۴۸ - ۹۶۴

● مؤسسه فرهنگی منادی تربیت صرفاً ارائه «خدمات چاپ» اثر فوق را به عهده داشته است.

تهران، خیابان نجات‌اللهی، بعد از چهارراه سمیه، کوچه بیمه، شماره ۵۰

نمابر: ۸۸۹۴۲۹۰

تلفن: ۸۸۰۹۷۸۷ (ده خط)

مقدمه

«فرستاده‌ی تو، ترجمان عقل و خرد توست و نوشته‌ات
رسانترین چیزی است که از جانب تو سخن می‌گوید.»

(علی علیه السلام - نهج البلاغه - فیض الاسلام حکمت - ص ۲۹۳)

قلمی که متکی به حق و عدل باشد، و جوهرش آزادی خواهی و
باطل ستیزی، می‌تواند قوی‌تر از هر سلاحی باشد؛ و آن هنگام که
در دست انسان‌های پاک و نواندیش به تصویری دیدنی بر روی
صحنه تأثیر تبدیل شود، راه رسوخ بر قلب‌های مشتاق پرتپش را
پیدا می‌کند.

فرصت مغتنمی دست داده است تا برای اولین بار یک
مجموعه نمایشنامه در ۲۰ عنوان را برای گروه سنی «ه» (مقطع
متوسطه) به چاپ و عرضه برسانیم. بی شک این شیوه نمایشی اگر

با دقت و ظرافت خاص خودش مورد توجه قرار گیرد، پاسخگوی بسیاری از خواسته‌ها و تمناهای دوران نوجوانی خواهد بود. تمام تلاش نویسندگان بر این بوده است تا حتی الامکان به موضوعاتی بپردازند تا به گونه‌ای مطلوب، مؤثر بر احوال دانش‌آموزان باشد و به تقویت این هنر نیمه فراموش شده در مدارس بیانجامد.

امید آن داریم تا این مجموعه مورد توجه و علاقه همه‌ی هنرمندان و هنردوستان نوجوان عزیز کشورمان قرار گیرد.

دفتر برنامه‌ریزی امور فرهنگی و مشاوره
کارشناسی هنرهای نمایشی

پیش‌گفتار

جمع‌آوری و تدوین نمایشنامه‌های این مجموعه، با هدف آشنا ساختن جوانان و نوجوانان علاقمند به هنر نمایش، با نمایش عروسکی، انجام گرفته است. متأسفانه نمایش عروسکی به عنوان نمایشی سرگرم‌کننده ویژه‌ی خردسالان، در اذهان مردم جای گرفته است.

ما با ارایه متون نمایشی که قابلیت اجرای عروسکی دارند، قصد داریم تا با نگاهی دیگر به این هنر، کاربرد حقیقی آن را در جمع دانش‌آموزان مقطع متوسطه نشان دهیم.

توصیف کیفیت نمایش عروسکی در این اندک نمی‌گنجد. اما پنج تعریف، ضروری به نظر می‌رسد:

۱- عروسک: «عروسک پیکره‌ای بی‌جان است که ساخته می‌شود تا با کوشش انسان در مقابل تماشاگر به حرکت درآید. این کار

زمانی اتفاق می افتد که شخصی، تصویری از فرد یا جهان را بر آئینه کج و معوج تخیلات خود می بیند و به آن، شکل، صدا و حرکت می دهد. اولین نیاز یک عروسک آن است که به هر حال حرکت کند. برای خلق یک سرگرمی خوب، همیشه نیازی به پیکره ای زیبا نیست. «یک بازی دهنده ماهر می تواند دستمالی را بردارد و به آن زندگی بخشد.»^۱

اشیاء دورریختنی خانه ی شما، مثل قوطی های کنسرو و نخ های جعبه شیرینی، مداد شکسته و... می توانند، تنها یا با هم، عروسک و یا عروسک هایی بسازند که در دستان شما ماهرانه حرکت کرده و جان بگیرند. نام او را شما انتخاب می کنید و برایش صدایی شیرین پیدا می کنید. این عروسک از ذهن شما بیرون آمده... نمی خواهید امتحان کنید؟! دست شما می تواند یک عروسک باشد.

۲ - نمایش عروسکی: زمانی خلق می شود که عروسک ها به عنوان تیپ یا شخصیت هایی که شما خلق کرده اید (از اشیاء ساده یا برش و فرم دادن به مواد...) رو در روی یکدیگر قرار بگیرند و قصه ای را برای تماشاگر شما به نمایش بگذارند. با توجه به نوع نمایش و عروسک، شما به عنوان بازی دهنده، در صحنه موقعیت های متفاوتی پیدا می کنید. یا مخفی می شوید در پشت دیواره ای به نام پاراوان و یا لباس سیاه می پوشید و روبند سیاه بر چهره می زنید و یا هیچ کدام؛ شما بازیگر می شوید و همراه او در صحنه بازی می کنید. کدام را می پسندید؟! امتحان کنید.

۳ - جادوی هنر عروسکی: نمایش عروسکی نه تنها خاص کودک نیست، بلکه با وسعت امکاناتش به شیوه‌ای اعجاب‌انگیز، زبان گویای بزرگ‌ترهاست. در سراسر دنیا، سال‌هاست که جشنواره‌های عروسکی بین‌المللی، سازمان‌دهی می‌شوند و از اعتباری ویژه نزد نمایشگران عروسکی برخوردارند. این جشنواره‌ها از معتبرترین جشنواره‌های هنری دنیا هستند. نمایش عروسکی گریز از واقعیت نیست، بلکه به تماشاگزاردن یک واقعیت جادویی است. عروسک‌ها می‌توانند در صحنه پرواز کنند، می‌توانند ناگهان غیب شوند، اندام‌هایشان ناگهان از هم جدا شود و دوباره به هم وصل شود. آنها می‌توانند همچون کِش، دراز و کشیده شوند یا همچون ذره‌ای کوچک در فنجانی جای بگیرند. می‌توانند...

نمی‌خواهید این جادو را امتحان کنید؟!

۴ - اشکال اصلی عروسک‌ها به زبانی ساده: الف - عروسک‌های دستکشی: کوچک هستند. سر عروسک در انگشت اشاره و دو دست آن در انگشت‌های شست و وسط جای می‌گیرند و حرکت داده می‌شوند. مناسب صحنه‌های کوچک و یا خیمه. ب - عروسک‌های باتومی: بزرگ‌تر هستند. سر توسط یک میله یا باتوم از داخل بدن، توسط یک دست کنترل می‌شود و دست دیگر بازی‌دهنده، میله‌های دو دست عروسک را هدایت می‌کند. ج - عروسک‌های نخ‌ی: توسط نخ‌هایی که به قسمت‌های مختلف و مفاصل بدن عروسک وصل می‌شوند و از بالا به چوب (پسایی) وصل هستند، هدایت می‌شوند. د - عروسک‌های بونراکو: بونراکو نام عروسک‌های

ژاپنی است. این هاگاهی بزرگ هستند و توسط دو نفر هدایت می شوند، یک نفر سر و یک دست و دیگری دست دوم و بدن را هدایت می کند. معمولاً در صحنه های بزرگ مورد استفاده قرار می گیرند + انواع دیگر عروسک...

۵- ذکر این نکته ضروری است که بر صحنه آوردن نمایشی که تخیل و جادوی آن تماشاگر را محسوس خود سازد، نیاز به خلاقیت کارگردان و نوآوری گروه دارد. امید آنکه این نمایش نامه ها کمکی باشند برای نزدیک شدن ذهن و روح علاقمندان به دنیای عروسکی، البته با کمک بزرگ ترها.

در ذیل کتاب نمونه هایی از کارهای عروسکی معروف جهان با ذکر چند کتاب مرجع درباره ی هنر عروسکی آورده شده است.

۱- هنر عروسکی نوشته: بیل برد ترجمه: جواد ذوالفقاری انتشارات جهاد دانشگاهی

۲- ورودی به قلمرو شبه عروسکها و نمایش های عروسکی نوشته: بهروز

غریب پور انتشارات مرکزی هنرهای نمایشی

۳- نمایش در ایران نوشته: بهرام بیضایی انتشارات مرکز هنرهای نمایشی

۴- دنیای گسترده نمایش عروسکی ترجمه و تلمیض: بهروز غریب پور انتشارات

جهاد دانشگاهی

۵- آموزش نمایش عروسکی نوشته: منصور پاکبین انتشارات ایتا



شخصیت‌های عروسکی:

دو اردک

لاک پشت پیر

شیوه اجرای عروسکی:

این نمایش به دو شیوه عروسک‌های باتومی و عروسک‌های سیاه قابل اجرا است. در شکل صحنه کوچک (ضمیمه‌ای) به شیوه عروسک‌های دستکشی نیز قابل اجرا می‌باشد.

صحنه نمایش:

برکه‌ای در جنگل با پس زمینه‌ای از کوه و جنگل که بسیار زیباست و چشم‌نواز.

لاک پشت زیر آفتاب دراز کشیده و با تنبلی بدن خود را این سو و آن سو می چرخاند. صدای خفه نق نقاش نشان می دهد که حوصله اش سر رفته، ولی حوصله تکان دادن خودش را ندارد. دو اردک در حال شعر خواندن با یک موسیقی شاد (موضوع شعر: لاک پشت تنبل) نزد او می آیند.

- اردک اول: چیه؟! باز دراز کشیدی اینجا و غر می زنی؟
لاک پشت: حوصله ام سر رفته.
اردک دوم: منم جای تو بودم حوصله ام سر می رفت.
اردک اول: جون خودت به اینم می گن زندگی؟ صبح تا شب می خوابی و از جات تکنون نمی خوری که چی؟
لاک پشت: چه جوری تکنون بخورم با این لاک سنگین که پشتم دارم.
اردک اول: اینم شد حرف؟ خب خدا هر کسی رو به جوری خلق می کند.
اردک دوم: اگه لازم بود که تو مثل پلنگ بدوی، حتماً همون جوری خلیقات می کرد.
اردک اول: نه بابا این حرفا همه اش به خاطر تنبلی یه.
لاک پشت: نمی خواد از جایش تکنون بخوره، لاک رو بهونه می کند.
اردک دوم: لاکی، تو چند سالته؟
لاک پشت: نمی دونم! صد سال، صد و پنجاه سال...
لاک پشت: نمی دونم.

اردک اول:

(با تعجب) چطور نمی دونی؟ مگه می شه کسی
ندونه چند سالشه؟

لاک پشت:

وقت نکردم برم شناسنامه بگیرم.

اردک دوم:

توی صد، صد و پنجاه سال، یه ساعت فرصت
نکردی پاشی بری اداره سِجِل احوال،
شناسنامه تو بگیری؟

اردک اول:

اُردی ۲! انگار تو هم خواست پرتها! سِجِل احوال
که مال عهد قَجَره! حالا بهش می گن ثبت احوال.
چه فرقی می کنه اسمش چی باشه. من مونده ام
که این چه جوری شناسنامه نداره؟

لاک پشت:

شناسنامه می خواستم چه کار؟

اردک اول:

یعنی چی این حرف؟ مدرسه نباید می رفتی؟ کار
نبايد می گرفتی؟

اردک دوم:

از همه مهم تر، زن نبايد می گرفتی؟

لاک پشت:

نه بابا! کی حوصله شو داره؟

اردک اول:

(به اردک دوم نزدیک می شود و آرام می گوید)
این خیلی حالش بده. تنبلی این نوبره.

اردک دوم:

با این توصیف فکر نکنم هیچ جارم دیده باشه.

اردک اول:

تو فکرم که توی این صد سال، چه کار کرده پس؟

لاک پشت:

(خواب آلود) چی می گین شما دو تا به هم؟

اردک دوم:

تو خودتو اذیت نکن. بگیر بخواب.



- اردک اول: آره! فکر کنی سرت درد می‌گیره.
- اردک دوم: (به اولی) می‌گم بیا به جورایی از جا بلندش کنیم.
- اردک اول: والله فکر نکنم بشه، اینو فقط خدا باید بلند کنه.
- اردک دوم: خیلی وضعش بده.
- اردک دوم: گناه داره به خدا! این همین جوری از دنیا بره، نه هیچ جارو دیده، نه با هیچ کس آشنا شده، نه چیزی یاد گرفته.
- اردک اول: آره.... مخاش آکبند آکبند!
- اردک دوم: می‌گی چه کارش کنیم؟
- اردک اول: به جوری بلندش کنیم دیگه.
- اردک دوم: چه جوری؟ بلند کردنش جرثقیل می‌خواد.
- اردک اول: باید به فکری کنم.

[اردک اول و دوم با هم مشورت می‌کنند. خروپف لاک پشت بلند شده است.]

- اردک دوم: (با عصبانیت) این که من می‌بینم اون قدر تنبله که زورش میاد حتی خواب ببینه.
- اردک اول: من می‌گم به جوری ببریمش روی آسمون از اونجا دنیا و مردم رو ببینه، بلکه طرز فکرش عوض بشه.



اردک دوم: چه جوری؟ اون که بال نداره.
 اردک اول: خب ما می شیم بالش!
 اردک دوم: چه کار می خوای بکنی؟
 اردک اول: (دست اردک دوم را می گیرد) بیا تا بهت بگم.

/ به لاک پشت نزدیک می شوند. اردک دوم روی شانه لاک پشت می زند. /



شعر و موسیقی

اردک دوم: لاکی! لاکی!
 لاک پشت: (به زور از خواب بیدار می شود) ها... ن!
 اردک دوم: پاشو ببین چی می گم!
 لاک پشت: چیه؟ باز می خواهی نصیحتم کنی؟ صد ساله گوشم از نصیحت پُره.
 اردک اول: نصیحت چیه؟ پاشو می خواهم ببرمت گردش.
 لاک پشت: با چی؟
 اردک دوم: حالا تو پاشو تا بهت بگم.
 لاک پشت: با کمتر از هواپیمای درجه یک نمی یام.
 اردک اول: (کُفری) ای بابا! تو حالا پاشو.
 لاک پشت: ها... ن؟ ببین چطوری امروز شما دو تا مزاحم شدین نمیدارین یه چرت بزنم؟
 اردک اول: صد ساله خوابیدی، می گی چرت؟

- اردک دوم: لاکى! ببين چى دارم بهت مى گم. ما مى برىمت
دنيا رو ببيني، فقط بايد يه قولى بدى.
- لاک پشت: من هيچ پولى ندارم.
- اردک دوم: کى از تو پول خواست خسيس خان؟
- لاک پشت: پس چى؟
- اردک اول: من و اردى ۲، دو سر يه چوب رو مى گيريم، تو
هم با دهنـت وسطـشو مى گيرى.
- لاک پشت: خب؟
- اردک دوم: ما مى ريم روى هوا، تورم با خودمون مى بريم.
- لاک پشت: خب؟
- اردک اول: خب به جمالت، تو از اون بالا همه دنيا رو
مى ببينى، مردمـو مى ببينى.
- لاک پشت: که چى بشه؟
- اردک دوم: که چى بشه؟
- لاک پشت: منم همينو مى گم ديگه.
- اردک اول: اى بابا! چرا بحث بى خودى مى کنى؟ يه گردش
مفت و مجانى مى برىمت، حرف هم دارى؟
- لاک پشت: (دوباره مى خوابد) نمى خوام... خسته مى شم.
- اردک دوم: عجبـيه ها... ما بال مى زنيم، تو خسته مى شى؟
- لاک پشت: اين کيه ديگه؟
- اردک اول: (به زور لاک پشت را بيدار مى کند) پاشو نـخواب!
کافيه يه ذره طاقت بيارى، رسيدى اون بالا اصلاً

- دلت نمی خواد بیایی پایین. اگر بدونی چقدر دریا
فشنگه، چقدر صحرا فشنگه، چقدر گل ها فشنگن.
(خواب آلوده) می دونم... دیدم. لاک پشت:
- تو که همه اش خوابی، چه جوری دیدی؟ اردک اول:
- راست می گه... تو که از جات تکون نمی خوری؟ اردک دوم:
- چه جوری دیدی؟
توی تلویزیون. لاک پشت:
- صد ساله داری تلویزیون تماشا می کنی، خسته
نشدی؟ اردک اول:
- پنجاه و هفت سال! لاک پشت:
- (با عصبانیت) خیلی خب! پنجاه و هفت سال!
خسته نشدی؟ اردک دوم:
- چقدر راز بقا تماشا می کنی؟ اردک اول:
- (خمیازه می کشد) راز بقا تماشا نمی کنم. لاک پشت:
- پس چی می بینی؟ اردک دوم:
- برنامه کودک. لاک پشت:
- (با حیرت) با صد سال سنّات برنامه کودک
تماشا می کنی؟ اردک اول:
- آره.... می میرم واسه تام و جری. لاک پشت:
- قباحت داره به خدا. اردک دوم:
- آره... منم همیشه فکر کرده ام خیلی قبیحه که به
گربه با اون هیکل از یه موش بخوره. لاک پشت:

- اردک اول: اونو نمی گه که...
- لاک پشت: پس چی رو می گه؟
- اردک دوم: (بی حوصله) ای بابا ولش کن! هستی بالاخره یا نیستی؟
- لاک پشت: کجا؟
- اردک اول: دو ساعته قصه واسهات تعریف کردیم، حالا می پرسی لیلی زن بود یا مرد؟
- لاک پشت: خب معلومه که زن بود. اینم شد سؤال؟
- اردک دوم: (به اول) بی خود خودمونو خسته می کنیم. بیا بریم.
- اردک اول: آره... بهتره بریم. اون تکنون نمی خوره.

(اردک اول و دوم راه می افتند که بروند.)

- لاک پشت: (با بی حالی) خب... حالا چرا فهرمی کنین؟ می یام.

(اردک اول و دوم یک لحظه مکث می کنند. باورشان نمی شود.)

- لاک پشت: نه... قرار نشد من تکنون بخورم... قرار شد شماها منو تکنون بدین.

(اردک اول با خوشحالی چوب بلندی را می آورد و رو به اردک دوم)

اردک اول: بگیر سرشو تا پشیمون نشده.

/ دو تا اردک دو سر چوب را می گیرند. /

لاک پشت: من چه کار باید بکنم؟

اردک اول: تو هیچی! وسط چوب رو محکم با دهننت بگیر.

اردک دوم: هر کسی هم هر حرفی زد، چوبو ول نمی کنی ها!

لاک پشت: نه... خیلی کار سختی یه... نه نیستم.

اردک اول: تو بگیر... اگه سخت بود دیگه بگیر.

/ لاک پشت با دهانش چوب را می گیرد. اردک ها کمی چوب را بالا

می برند. لاک پشت وحشتزده دست و پایش را تکان می دهد و

چوب را رها می کند و روی زمین می افتد. /

اردک اول: چی شد پس لاکسی؟

اردک دوم: چرا چوبو ول کردی؟

لاک پشت: نمی خوام... یادم نبود دکتر به من گفته که ترس از

ارتفاع دارم.

اردک اول: دست بردار لاکسی! ترس از ارتفاع کدومه؟

لاک پشت: من نخوام دنیا رو ببینم، کی رو باید ببینم؟

اردک دوم: آخه چیزی رو که ندیدی. چه جوری می گی

نمی خوام؟

لاک پشت: واللّه نمی خوام، باللّه نمی خوام. صد سال این

ریختی زندگی کرده ام، صد سال دیگه هم روش.

اردک اول: لاکی! دنیا قشنگه... دیدنیه... پر از موجودات

رنگارنگه... یه ذره به خودت زحمت بده.

اردک دوم: لاکی! به خدا پشیمون می شی ها! باریکلا وسط

چوبو بگیر بذار ببریمت بالا.

لاک پشت: مردم چی می گن به من؟

اردک اول: مردم چه کار دارن به کار تو؟

لاک پشت: کی دیده که لاک پشت پرواز کنه؟

اردک دوم: تو نبودی گفتی بلیط درجه یک هواپیما

می خوای؟ پس چه جوری می خواستی پرواز کنی؟

لاک پشت: اون فرق می کنه. هواپیما کلاس داره، اما این چیه

(به چوب اشاره می کند) یه تیکه چوب.

اردک اول: این جوری که کیف اش بیشتره. باد می خوره به

تن ات. خنک می شی.

/لاک پشت جواب نمی دهد. آرام پیش می آید تا وسط چوب را

بگیرد./

لاک پشت: شما مطمئنن بلایی سرم نمی یاد؟

اردک اول: دهن تو محکم ببندی هیچ بلایی سرت نمیاد.

لاک پشت: تو ضمانت می کنی؟

اردک دوم: آره! ضمانت می کنیم.

لاک پشت وسط چوب را می گیرد. اردک ها چوب را بالا می برند.
ارتفاع می گیرند از روی کوه و دشت و صحرا عبور می کنند. کم کم
صدای مسخره کردن مردم به گوش می رسد.

اولی: نگاش کن! سر پیری و معرکه گیری!

دومی: کی دیده لاک پشت پرواز کنه؟

سومی: تقصیر دو تا اُردی هاس! بیچاره رو کرده ان

مسخره همه.

اولی: (فریاد می زند) لاکِی! بپاگم و گورت نکن.

دومی: اون بالا خوش می گذره؟

سومی: خوب خودتو مسخره دو تا جوجه اردک کردی ها.

(اردک ها، لاک پشت را همچنان این سو و آن سو می برند.)

اردک اول: یه وقت دهنتو وا نکنی لاکِی!

اردک دوم: گوشاتو محکم ببند لاکِی!

اردک اول: اونا چون نمی تونن خودشون پرواز کنن. بهت

حسودیشون می شه.

اردک دوم: نگاه کن اون پایینو. ببین چقدر دنیا قشنگه... ببین

صحرا و رودخونه چقدر قشنگن.

اردک اول: لاکِی! چرت نزن! تماشا کن! یه عمر خوابیدی

کجا رو گرفتی؟

اولی: (از پایین) هی لاکی! ببین اون دور و ورا آنتن
ماهواره می بینی؟

/ سه تایی می خندند /

دومی: هی لاکی! ساعت ۳ برنامه کودک شروع می شه ها.
سومی: تام و جری داره. یادت هست؟
لاک پشت: (ناگهان چوب را رها می کند) نه... بابا؟

/ صدایش با انعکاس در هوا می پیچد. لاک پشت سقوط می کند و
محکم به زمین می خورد. /

لاک پشت: آخ! مردم! لاکم شکست.

/ اردک ۱ و ۲ پایین می آیند و بالای سرش می ایستند. /

اردک اول: اینم عاقبت جواب دادن بی موقع!
اردک دوم: حالا چه کارش کنیم؟ لاکش ترک خورده.
اردک اول: با چسب قطره ای می چسبونیم. مشکل
اینجاست که دیگه نمی شه از جلوی تلویزیون
بلندش کرد.

/ لاک پشت می نالد و بعد صدای خرو پفاش به آسمان بلند می شود. /

«پایان»

۱. در صف مردم



۲. از قیاس خنده و خلق را



۳. چشمن در بازارچه



۴. اتاق کاموشن



۵. در قفسه و قفسه



۶. افهام



۷. پدر و پسران



۸. کتابت چوپان و لایب خستین



۹. کتابت ما و تکبیر خولپ



۱۰. با باغ و شواهد



۱۱. نیشن پشته



۱۲. قتل خندان



۱۳. پنهان و پنهان



۱۴. مملکت خلایق



۱۵. آهسته و پیوسته



۱۶. یاران ناپیدا



۱۷. علی و انبان



۱۸. توپه و ماهیخوار



مؤسسه فرهنگی
مندی تربیت

شابک ۹۶۴-۳۴۸-۳۱۸-۵

ISBN 964-348-318-5